

ارزیابی تأثیر پروژه‌های بزرگ مقیاس بر نگرش شهروندان به مدیریت شهری (نمونه موردی: میدان شهرداری شهر رشت)

■ علی اکبر سالاری پور*، استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان

■ مهرداد مهرجو، دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی- برنامه‌ریزی شهری، دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان

■ مائده خیل کردی، پژوهش‌گر شهرسازی، دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان

Evaluating the Impact of Large-scale Urban Projects on Citizens' Attitude toward urban Management (Case Study: Shahr-dari Square, Raht)

AliAkbar Salaripour *- Assistant Professor., department of urban planning and design, university of guilan

Mehrdad Mehrjou- graduate student of urban planning, department of urban planning and design, university of guilan

Maedeh Khil Kordi- researcher in urban planning, department of urban planning and design, university of guilan

Abstract

Large-scale projects can not only influence the future of the city in many ways but also play an important role in shaping people's attitudes toward urban management. Rasht Municipality Square (Meydan-e Shahr-dari-e Rasht) Cultural pedestrian zone is one of the national scale urban regeneration projects that plays an important role in shaping the attitude of the people of Rasht to previous urban management as well as how to judge the current one. Therefore, the present study investigates the role of this project in the perception of Rasht people about urban management. In terms of nature and method, this research relies on quantitative and statistical analysis. Accordingly, 247 questionnaires were distributed in the study area. For analysis of nonparametric data, Kruskal-Wallis test and Spearman correlation are applied to assess the effect of independent variables on the dependent variables of the study. The results showed that by increasing the positive attitude of citizens towards large-scale projects, citizens' attitude towards urban management will be improved. And the more citizens are more satisfied with the municipal record in the construction-civil dimension, the more positive the judgment of citizens will be on urban management performance.

Keywords: large-scale projects, citizen's attitude, urban management, Shahr-dari square, Rasht.

چکیده

پروژه‌های بزرگ مقیاس علاوه بر این که می‌توانند آینده شهر را در ابعاد گوناگون تحت تأثیر قرار دهند بلکه همچنین نقش مهمی بر شکل‌گیری نگرش مردم نسبت به مدیریت شهری دارند. پروژه پیاده راه فرهنگی شهرداری شهر رشت یکی از پروژه‌های بازآفرینی شهری در مقیاس ملی است که نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش مردم شهر رشت به مدیریت شهری قبلی و همچنین قضاوت مدیریت شهری جاری دارد. از این رو پژوهش حاضر به بررسی نقش این پروژه در نگرش مردم شهر رشت به مدیریت شهری می‌پردازد. این پژوهش از نظر ماهیت و روش، متکی به تحلیل‌های کمی و آماری است. بر این اساس اقدام به توزیع ۲۴۷ پرسشنامه در محدوده مورد مطالعه شده است. برای انجام تحلیل داده‌های ناپارامتریک از آزمون کروسکال والیس و همبستگی اسپیرمن برای سنجش تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته پژوهش استفاده شده است. نتایج نشان داد با افزایش نگرش مثبت شهروندان نسبت به پروژه‌های بزرگ مقیاس، نگرش شهروندان نسبت به مدیریت شهری بهتر می‌شود و هرچه رضایت شهروندان از کارنامه شهرداری در حوزه عمرانی و ساخت و ساز افزایش یابد، نگرش شهروندان نسبت به عملکرد مدیریت شهری مثبت‌تر خواهد بود.

کلیدواژه: پروژه‌های بزرگ مقیاس، نگرش شهروندان، مدیریت شهری، میدان شهرداری، رشت.

مقدمه

پروژه‌های زیرساختی، تجاری، خدماتی بزرگ مقیاس که با هزینه‌ای کلان و با سطح اثرگذاری وسیع و قابلیت‌های بالقوه در سطح شهر و یا منطقه عملکرد چشم‌گیری دارند، که پروژه‌های بزرگ مقیاس شهری نام گرفته‌اند (Yang et al, 2009). تحقیقات در مورد پروژه‌های بزرگ مقیاس به‌طور فزاینده‌ای با علاقه‌ی گسترده‌ای در حوزه‌های مهندسی و مدیریت پروژه تبدیل شده است (Van Marrewijk et al, 2008). که امروزه در سطح جهان به‌خصوص در رشته‌های عمران، معماری و شهرسازی پروژه‌های بزرگ مقیاس شهری زیادی تدوین و اجرا شده‌اند، که این پروژه‌ها نوعی سرمایه‌گذاری در سطح شهرها برای توسعه آن‌ها می‌باشد که به دلیل برخورداری از اثرات پایداری بر جوامع، محیط‌زیست و همچنین وجود بودجه که سبب توجه عموم می‌شود که منطق برنامه‌ریزی در اکثر آن‌ها بر پایه منفعت عمومی است (Lizarralde, 2011). در دوره پس از جنگ جهانی، دولت فوردیست در کشورهای توسعه‌یافته مشغول پروژه‌های گسترده‌ای با هدف بازسازی شهرهایی بود که یا در اثر جنگ آسیب‌دیده و یا از مهاجرت مردم آن منطقه به خارج از کشور منسوخ شده‌اند (Shatkin, 2008). در این صورت، چنین تلاش‌هایی یک محیط شهری مدرن از بزرگراهها، بولوارهای بزرگ و جذب سرمایه‌گذاری و پاک‌سازی مناطق مسکونی غیراستاندارد است که تحت تأثیر سبک بین‌المللی که در معماری حاکم در جهان، طراحان کلانشهر پس از جنگ، منظره‌ای از شهرها را طراحی کردند که به طرز عجیبی توسط جیکوبز به «شهر درخشان زیبا» توصیف شده است که به دلیل داشتن اثرات منفی اجتماعی- فرهنگی مورد انتقاد عموم قرار گرفتند (Fainstein, 2008). در این دوره دو دسته انتقادی چپ و راست ایجاد شدند که دسته چپ به از بین رفتن اماکن عمومی و تبدیل شهرها به بزرگراهها انتقاد داشته‌اند و از طرفی منتقدین راستی به مداخله غیرمجاز دولت در امر بازار و گرفتن غیرقابل توجیه از املاک خصوصی بوده‌اند (Haila, 2008). در این بین جنبش‌های شهری دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ همراه با محدودیت‌های مالی بر دولت‌ها و حرکت به سمت عدم تمرکز و دولت‌های کوچک مرتبط با

نئولیبرالیسم، در پروژه‌های بزرگ مقیاس و بلندمدت به توقف (گر چه به‌هیچ‌وجه متوقف نشد) منجر شده است (Altschuler & Luberoff, 2003). که در دهه‌های اخیر شاهد اجرای پروژه‌های عظیم شهری و عمرانی از قبیل بازآفرینی شهری، پیاده‌راه‌سازی، ساختمان‌ها بلندمرتبه، بزرگراه‌های طبقاتی، پارکینگ‌های طبقاتی و برج‌های تجاری بوده‌ایم که نقش کلیدی در جذب سرمایه و همچنین ایجاد تصویری مطلوب در بین شهرهای جهانی و جهانی شدن شهرها را داراست، اثر مثبت این چنین پروژه‌ها شامل جذب گردشگر، بهبود فضاهای عمومی و باز جمعی، بهبود وضع اقتصاد شهر و شهروندان است. از این رو برای برقراری ارتباط قوی بین مردم و مدیریت شهری می‌توان چنین پروژه‌های عظیم را با در نظر گرفتن مشارکت شهروندان در امر تهیه و اجرای آن‌ها را لحاظ کرد. نگرش شهروندان به نهادهای مدیریت شهری به ویژه شهرداری تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند پاسخگو و مسئول بودن نهاد مدیریت شهری، رعایت عدالت و در برگیرندگی، مبارزه با فساد و رانت‌خواری، خودداری از ظاهرسازی به جای مشارکت‌پذیری واقعی، است. پروژه‌های بزرگ مقیاس شهری علاوه بر این که اهمیت فراوانی در بهبود زیرساخت‌ها و امکانات شهری دارند، خود می‌توانند بستری مناسب برای افزایش تعامل میان مدیران شهری و شهروندان باشند. پروژه‌هایی مانند بازآفرینی میدان شهرداری رشت با تأثیرگذاری همزمان بر لایه‌های مختلف هویتی، اجتماعی و اقتصادی شهر، توجه گروه‌های مختلفی از شهروندان و سهامداران شهری را برمی‌انگیزد. در این میان توانایی مدیریت شهری در تبدیل این پروژه‌ها به میدانی برای تعامل ایده‌ها، اندیشه‌ها و نوآوری‌ها علاوه بر این که به بهبود سطح کیفی خروجی پروژه می‌انجامد، در بعد فرایندی نیز منجر به شکل‌گیری پایه‌های حکمروایی خوب شهری مبتنی بر مشارکت و پاسخگویی می‌شود. با این وجود شهر رشت همچون بسیاری از شهرهای کشور از ظرفیت این پروژه‌ها در ابعاد فوق‌الذکر به خوبی بهره نبرده است. با این حال به نظر می‌رسد انجام پروژه‌های بزرگ مقیاس از این دست همچنان نقش مهمی در قضاوت شهروندان درباره مدیریت شهری داشته باشد. لذا مقاله حاضر به دنبال بررسی میزان و چگونگی تأثیر این پروژه‌ها بر

نگرش شهروندان است.

- نگرش شهروندان شهر رشت به مدیریت شهری چگونه است؟

- پروژه بزرگ مقیاس میدان شهرداری رشت چه تأثیری بر نگرش شهروندان به مدیریت شهری دارد؟

پیشینه تحقیق

پروژه‌های بزرگ مقیاس

پروژه‌های بزرگ مقیاس به لحاظ ماهیت در زمره پروژه‌های کاربری، عملکردی و مقیاسی وسیع را در اثرگذاری بر شهرها از طیف وسیعی برخوردارند (Shatkin, 2008). از جمله این پروژه‌ها می‌توان به مراکز تجاری و خدماتی، زیرساختی کلان همچون ساخت مترو شهری، ساخت شهرک‌های تفریحی و فناوری، پروژه‌های بازسازی و نوسازی در سطح وسیعی از شهر اشاره کرد، پروژه‌های بزرگ مقیاس شهری به دلیل این که منجر به تغییرات وسیع بلندمدت یا شاخص در هویت، ساخت اقتصادی-اجتماعی و نقش عملکردی شهر می‌شوند، پروژه‌های بزرگ مقیاس خوانده می‌شوند (Yang et al, 2009). ویژگی‌های شش‌گانه پروژه‌های بزرگ مقیاس عبارت است از: بزرگ مقیاس بودن، هزینه‌بر بودن، جذابیت، قابل بحث بودن، کنترل و پیچیدگی (Flyvbjerg et al, 2003). امروزه پروژه‌های بزرگ مقیاس از استراتژی‌های متداول شهرسازی به شمار می‌روند و به علت باز تعریفی شهر، قرار گرفتن شهر در جایگاه جهانی برای ارتقای خدمات و تسهیلات و همچنین افزایش درآمدها، وسوسه‌برانگیز است (Orueta & Fainstein, 2009). این پروژه‌ها اغلب با دو رویکرد بر طرح‌های توسعه شهری وارد می‌شوند: از یک‌سو طرح‌های بزرگ مقیاس ساخت و اهمیت زیادی دارند (مثل موزه‌ای خاص) و از سوی دیگر طرح‌های بزرگ مقیاس با موضوعات پیچیده همانند مجتمع‌های مسکونی مختلط و ... (Altshuler & Luberooff, 2003).

نگرش مردم به مدیریت شهری

نهاد برنامه‌ریزی و مدیریت شهری تاکنون مورد قبول‌ترین وسیله استفاده و توسعه اراضی و مدیریت عمومی شهری بوده است که توسط سازمان‌های ملی و بین‌المللی مورد حمایت قرار گرفته است. بر این اساس مدیریت شهری حاکی از فرایند برنامه‌نویسی، مدیریت دوره، سازمان‌الگوی توسعه، رشد و مدیریت مناطق شهری را بر عهده دارد به

طوری که برای هر گروه جمعیت اجتماعی-اقتصادی در انجمن‌های محلی و تراکم مناسب و همزیستی در دسترس است (Sekhar, 2003). در تئوری، مدیریت شهری به همراه برنامه‌ریزی شهری باید از طریق منافع توسعه، شرایط زندگی در جوامع محلی را برای مردم بهبود ببخشد (Awuah et al, 2014). بنابراین نتایج عملکرد برنامه‌ریزی شهری به بهبود شرایط زندگی افراد کمک می‌کند، که این موارد ممکن است شامل بهبود سیستم حمل و نقل و در دسترس بودن و خدمات اجتماعی با کیفیت و ... هستند (Watson, 2009). با این حال، در سال‌های اخیر توسط محققان شناخته شده است که برنامه‌ریزی و مدیریت شهری باید شرایط را برای تأمین معیشت مردم محلی، از جمله کسانی که در محله‌های مسکونی طبقه پایین زندگی می‌کنند، منعکس کند (Cobbinah & Darkwah, 2016). بر این اساس شناخت جهانی به منظور حمایت محلی از برنامه‌ریزی و مدیریت شهری برای تحقق نگرش مردم محلی نسبت به برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و همچنین تأثیر منافع توسعه در حمایت از آن‌ها برای برنامه‌ریزی و مدیریت شهری امری مهم است (Awuah et al, 2014). به عنوان مثال، کلیمان و همکاران ۲۰۱۷، پژوهش برنامه‌ریزی کاربری اراضی را در چارچوب قبل از شهرنشینی را مورد بررسی قرار داده‌اند و به این موضوع دست یافتند که افراد محلی برای استفاده از اراضی به برنامه‌ریزی قانونی اتخاذ نمی‌کنند که آن هم به دلیل بی‌اعتمادی به فعالیت‌های برنامه‌ریزی و مدیریت دولتی یا رسمی است. همچنین، عووا و همکاران ۲۰۱۴، در پژوهشی مزایای اقتصادی برنامه‌ریزی کاربری زمین را در غنا ارزیابی کرد و متوجه شد که عمده مزایای اقتصادی ناشی از برنامه‌ریزی کاربری اراضی شامل جاده‌های خراشیده شده، است. از این رو دریافت مزایای توسعه به نوبه خود سبب تقویت جوامع محلی برای برنامه‌ریزی و مدیریت شهری خواهد شد (zasada, 2011).

اعتماد به مدیریت شهری

اعتماد کلید اصلی روابط میان اشخاص یا میان فردی در زمینه‌های مختلف است. که اعتماد عقیده یا دانشی است که در فرد اعتماد شونده انگیزه یا تحرکی برای انجام دادن عملی در متعهد ایجاد می‌گردد (Nyhan, 2000). گیدنز، اعتماد را به عنوان اطمینان با اتکاء به

ماهیت یا خاصیت شخص یا چیزی بیان کرده است (Amalya & Kathleen, 2001). زیمل نیز اعتماد را شکلی از ایمان و وابستگی مطمئن به یک اصل یا شخص خاصی توصیف می‌کند (Enamul, 2008). بر این اساس اعتماد و اعتماد کردن نوعی استراتژی مهم در مواجهه با شرایط نامعین و نیز کنترل آینده است (Edelenbos & Klijin, 2007). بنابراین اعتماد را می‌توان به سه دسته اعتماد به فرد، اعتماد به گروه و اعتماد به نهادها و سازمان‌ها تقسیم‌بندی کرد (Klijin et al, 2010). اعتماد به شهروندان به مدیریت شهری از دو بعد اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی تشکیل می‌گردد. اعتماد بین شخصی، اعتمادی مبتنی بر روابط بین فردی و در یک فضای کنشی محدود می‌باشد (Purdue, 2001). اعتماد به یک سازمان می‌تواند از اعتماد شخص به فرد یا افراد شاغل در آن نهاد تأثیر گذارد و همچنین اعتماد به یک شخص نیز می‌تواند به دلیل اعتماد به سازمانی باشد که آن شخص در آن کار می‌کند (Siegrist & Cvetkovich, 2003). این نوع اعتماد از روابط بین شهروندان و کارفرمایان سازمان شهرداری ناشی می‌شود. اما اعتماد نهادی اشاره دارد به اعتماد یا عدم اعتماد شهروندان به نهادها به خاطر رضایت یا عدم رضایت آنان از رویه‌ها و سیاست‌های جاری است (Winter et al, 2004). اعتماد به مدیریت شهری در موضوعات بسیاری قابل بیان است از جمله: اعتماد به مدیریت شهری در موضوع خدمات شهری، در موضوع نحوه هزینه کرد درآمدهای شهرداری، در موضوع حمل و نقل و ترافیک و ...

مدیریت شهری و رابطه آن با مشارکت شهروندان

مشارکت یعنی سهیم شدن در چیزی و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت کردن و با هم همکاری داشتن است (Hanzle, 2007). مشارکت در عرصه مدیریت شهری را می‌توان مختص به همکاری بخش خصوصی با شهرداری و امور شهری دانست، و یا مشارکت فعال در همکاری بخش مردمی با شهرداری را تجلی می‌کند (Ertiö, 2015). از این رو این چنین بخش‌ها با اسامی دیگری چون بخش اجتماعی و بخش خصوصی غیرانتفاعی شناخته می‌شوند که هدف این نوع بخش‌ها که اعضای آن در سازمان‌های غیردولتی، سازمان مبتنی بر جوامع محلی و سازمان داوطلب خصوصی متشکل شده که با آن‌ها دارای همیاری

و خود اتکایی است (Kingston, 2007). از این رو داده‌های سیستم مدیریت شهری، خواسته‌ی دولت، شهروندان و ستانده‌ی توسعه کمیّت و کیفیت زندگی شهری شهروندان است. بنابراین مدیریت شهری باید تمام نقاط نظام شهری را اعم از فضای عملکردی و کالبدی آن را تحت نظارت خود قرار دهد که دارای ماهیت سازمانی چند عملکردی و چند سطحی است (Krizek et al, 2009). از این رو شهرداری‌ها از جمله حکومت‌های محلی هستند که بدون مشارکت همه جانبه شهروندان «مشروعیت» ندارند. به عبارت دیگر، بدون مشارکت شهروندان در امور شهری و محلی، شهرداری‌ها توان اجرای هدف‌های خود را خواهند داشت. در همین جهت باید زمینه‌های مختلفی که مشارکت مردم و شهروندان در امور شهری با وجود آن‌ها تسهیل می‌گردد را مهیا ساخت (Laurian, 2004). در این راستا یکی از رویکردهای پایه در مفهوم مدیریت شهری را حکومت محلی می‌دانند که اساس این چنین حکومت‌های محلی، مردم با مشارکت و همفکری یکدیگر و با استفاده از منابع و امکانات محلی نسبت به تأمین خدمات و امکانات عمومی و عمران و آبادانی محل در چارچوب این حکومت‌ها اقدام نمایند (Leino, 2012). بنابراین، حکومت محلی مسئول و پاسخگو بوده و برای برآورده کردن نیازهای محلی تدارکات مفصلی را فراهم نماید که خدمات را به صورت کارا و سودمند ارائه دهند و شهروندان را به مشارکت در امور شهری و همچنین حس تعلق را در شهروندان نسبت به محل تقویت کنند (Reed et al, 2018). بر این اساس میزان مشارکت مردمی به نوع حکومت، حاکم نیز بستگی دارد. که نظام دموکراتیک، دولت، جوامع مدنی و سازمان‌های سیاسی رسمی و غیررسمی در جهت گسترش مشارکت مردم و در نهایت برای رسیدن به مقبولیت و مشروعیت گام برمی‌دارند (Rowe & Frewer, 2004). در همین جهت دو نهاد، ساختار مدیریت شهری را نیز تشکیل می‌دهند؛ نخست شورای شهر و شهرداری که در رأس هرم اجرایی شهر قرار گرفته‌اند. که یکی از اهداف اساسی و اصلی مدیریت شهری، ساماندهی و سازماندهی امور شهری با مشارکت و همکاری مردم است (Innes & Booher, 2004). اهداف مدیریت شهری را می‌توان بدین ترتیب بیان نمود: ۱- ساماندهی توسعه پایدار شهری ۲- ارتقاء زیست‌پذیری شهر ۳- محافظت از محیط‌زیست

شهر ۴- محافظت و بهبود محیط کالبدی شهر ۵- جلب مشارکت مردمی در مدیریت شهری (Kahila-Tani et al, 2015). مشارکت‌های عمومی از طریق حکومت‌های محلی دارای سه هدف هستند: ۱- بهبود توانایی مدیریت ۲- تعیین اولویت‌های برنامه ۳- انجام اصلاحات، که توانایی مدیریت زمانی بهبود خواهد یافت که تلاش مدیریت در جهت پاسخگویی به نیازهای عمومی باشد از این رو مدیران محلی برای اداره امور محلی شهر خود بایستی لزوماً سبک رهبری مشارکتی را در ارتباط با مردم محلی در نظر گیرند که بدین منظور مقامات محلی و حکومت‌های محلی برای تقویت و بهبود اجتماعات محلی و سازمان‌های کارآمد و سودمند باید «شهروندسازی» را در دستور کار قرار دهند (Afzalan & Muller, 2018). این واژه به منظور فراهم‌سازی امکانات، تسهیلات و سازکارهای لازم برای شهروندان است تا آن‌ها از حقوق شهروندی خود بهره‌مند شوند (Brown & Kytta, 2014). که اگر این چنین عواملی در دستور کار حکومت‌های محلی قرار گیرد باعث مشارکت مردم و شهروندان در امور شهری و حتی به طوری که اعتمادسازی رخ خواهد داد که همین سبب اعتماد نسبت به مشارکت مردم در تهیه و اجرای پروژه‌های بزرگ مقیاس نیز می‌شود.



شکل ۱- روابط متقابل شهروندان، دولت و مردم (مأخذ: نگارندگان).

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از بعد هدف در قالب پژوهش‌های کاربردی دسته‌بندی می‌شود، و از روش‌های پژوهش کمی مبتنی بر تحلیل‌های آمار استنباطی بهره می‌برد. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از روش کتابخان‌های و میدانی گردآوری شده است. ابزار اصلی در پیمایش میدانی پرسشنامه محقق ساخته است. در طراحی پرسشنامه به منظور سنجش شاخص‌ها، از ۴۲ سؤال در جهت مثبت با پاسخنامه طیف لیکرت پنج گزینه‌ای شامل گزینه‌های کاملاً مخالف تا کاملاً موافق استفاده گردید. بررسی روایی پرسشنامه با روش اعتبار صوری و استفاده از

نظر چندین کارشناس متخصص صورت گرفت، با توجه به اعمال نظرات متخصصین در طراحی سؤالات روایی پرسشنامه در حد بالایی قرار می‌گیرد. همچنین بررسی پایایی پرسشنامه نیز از طرق پیش‌آزمون و محاسبه آلفای کرونباخ صورت گرفت. آلفای کرونباخ مجموع سؤالات برابر با ۰/۸۷۰ است که نشان‌دهنده ضریب پایایی قوی پرسشنامه است. جامعه آماری در این پژوهش، ساکنان شهر رشت می‌باشند. حجم نمونه نیز براساس فرمول نمونه‌گیری کوکران تعیین شده است. بدین منظور حجم نمونه در سطح اطمینان ۹۵ درصد و سطح خطای مجاز ۰/۰۵ که حداکثر خطای مجاز است و دقت نمونه‌گیری نیز به آن بستگی دارد ۳۸۶ نفر محاسبه شد، که حدود ۱۳۹ پرسشنامه به طور ناقص تکمیل شده و حدود ۲۴۷ پرسشنامه به صورت کامل تکمیل و مورد سؤال قرار گرفته است.

متغیر	طبقه	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۸۶	۷۵/۳
	زن	۵۴	۲۱/۹
	بدون پاسخ	۷	۲/۸
	مجموع	۲۴۷	۱۰۰
میزان تحصیلات	زیر دیپلم	۶	۲/۴
	دیپلم	۳۸	۱۵/۴
	کارشناسی	۱۳۶	۵۵/۱
	لیسانس به بالاتر	۶۰	۲۴/۳
	بدون پاسخ	۷	۲/۸
وضعیت تأهل	متاهل	۱۹۳	۷۸/۱
	مجرد	۴۳	۱۷/۴
	بدون پاسخ	۱۱	۴/۵
	مجموع	۲۴۷	۱۰۰
سن	کمتر از ۲۰ سال	۲۰	۸/۱
	۲۰-۲۵	۱۴۱	۵۷/۱
	۲۶-۳۰	۳۵	۱۴/۲
	۳۱-۳۵	۱۲	۴/۹
	۳۶-۴۰	۹	۳/۶
	بیشتر از ۴۰ سال	۲۰	۸/۱
	بدون پاسخ	۱۰	۴
	مجموع	۲۴۷	۱۰۰

در ادامه ۷۵/۳ درصد از پاسخگویان به پرسشنامه را زنان و حدود ۲۱/۹ درصد از پاسخگویان را مردان و بدین منظور ۲/۸ درصد از آنان به مورد تعیین جنسیت پاسخی داده نشده است. ۵۵/۱ درصد از آنان دارای مدرک لیسانس و به ترتیب ۲۴/۳ درصد دارای مدرک لیسانس به بالاتر، ۱۵/۴ درصد مدرک دیپلم و در نهایت ۲/۴ درصد از آنان دارای مدرک زیر دیپلم بوده‌اند. گروه سنی آنان ۵۷/۱ درصد بین سنین ۲۵-۲۰ سال قرار دارند. از این بین ۷۸/۱ درصد از آنان افراد دارا وضعیت تأهل مجرد و ۱۷/۴ درصد از آنان نیز متأهل بوده‌اند.

ابعاد و اندازه برداشت و داده‌های آماری به کمک نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. در ابتدا جهت تعیین نرمال بودن داده‌های به دست آمده از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده و نتایج آزمون، غیرنرمال بودن آن‌ها را تأیید کرد. که برای انجام تحلیل داده‌های ناپارامتریک از آزمون کروسکال والیس برای سنجش تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته پژوهش استفاده شده است. جدول شماره ۱ ضرایب مذکور را به صورت جزئی‌تر نشان می‌دهد.

جدول ۱. روایی گویه‌های پرسشنامه پژوهش.

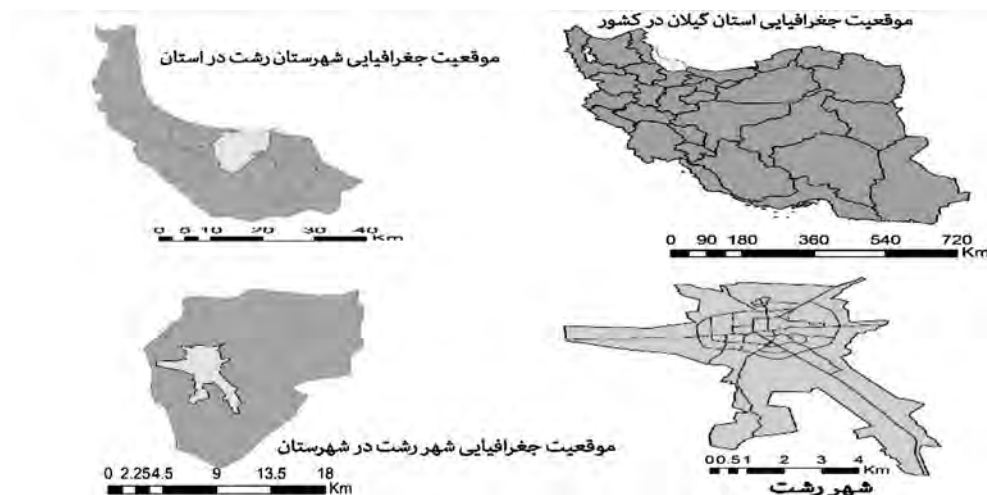
ضریب پایایی کل	ضریب پایایی هر شاخص	گویه‌های پرسشنامه
۰/۸۷۰	۰/۷۹۰	همه‌ی افراد جامعه می‌توانند در سرنوشت جامعه سهیم باشند.
		مشارکت در امور جامعه به بهبود امور کمک می‌کند.
		ما شهروندان نمی‌توانیم تغییری در جامعه ایجاد کنیم.
		گفتن کمبودها به مسئولین فایده ندارد.
		دوست دارم در فعالیت‌های مدنی شرکت کنم.
		ساختن جامعه بدون مشارکت ممکن نیست.
		دوستان خود را به مشارکت تشویق می‌کنم.
		اگر زمینه مشارکت فراهم باشد مشارکت می‌کنم.
		در محله ما مشارکت است
		اگر در محله ما مشکلی پیش بیاید مردم برای رفع آن تلاش می‌کنند.
		همبستگی اجتماعی شما در حد قابل رضایتی است.
		در صورت بروز مشکلات برای بستگان به آن‌ها کمک می‌کنم
		آیا شما برای رفع مشکلات محله خود هزینه می‌کنید؟
		در پروژه‌های مربوط به محله یا شهر خود عملاً دست به کار می‌شوم.
با سایر ساکنین محله برای بهبود وضعیت فرهنگی همبستگی دارم.		
۰/۷۳۲	۰/۷۳۲	به نظرم به مردم می‌توان اعتماد کرد.
		فضای جامعه فضای بی‌اعتمادی است.
		به نظام و نهادهای حاکمیتی اعتماد دارم.
		از فضای اجتماعی/فرهنگی جامعه رضایت دارم
		در جایی که مشغول کار یا تحصیل هستم احساس آرامش می‌کنم.
		وقتی در جاهای شلوغ هستم تمام حواسم به این است که جیبم را نزنند.
		این روزها فضای جامعه خیلی ناامن شده است.
		در مجموع فکر می‌کنم وضعیت اخلاقی جامعه نامطلوب است.
		نظام سیاسی حاکم همه‌ی ملت را به یک چشم نگاه نمی‌کنند و بین آن‌ها تبعیض قائل می‌شوند.

ضرب پایایی کل	ضرب پایایی هر شاخص	گویه‌های پرسشنامه
	۰/۸۴۸	به شورای شهر اعتماد دارم.
		به شهرداری اعتماد دارم.
		به نظر من مسئولین شهری تلاش خود را صرف حل مشکلات مردم می‌نمایند.
		مسئولان شهری خود را در برابر مردم مسئول می‌دانند
		از عملکرد شهرداری رضایت دارم.
		شهردار به وعده‌های خود عمل کرده است.
		در شهرداری فساد وجود دارد.
		برای شهرداری خواست مردم در اولویت بالاتری نسبت به خواست نهاد بالادست خود قرار دارد.
	۰/۷۷۲	پروژه‌هایی مانند پروژه شهرداری رشت، باعث توسعه شهر شده است.
		انجام چنین پروژه‌ای در شهر باعث افتخار و غرور است.
		این پروژه بازتاب‌دهنده تاریخ، هویت و ارزش‌های شهر رشت و استان گیلان است.
		در مجموع از پروژه میدان شهرداری رضایت دارم.
		چقدر با انجام چنین پروژه‌های بزرگی موافقت می‌کنید؟
		شهرداری از این پروژه‌ها جهت تبلیغات، بهره‌برداری سیاسی می‌کند.
	انگیزه اصلی شهرداری از این پروژه‌ها مالی-اقتصادی است.	
	منافع شهروندان اولویت اول در انجام این پروژه‌ها است.	
	در انجام این پروژه‌ها رانت وجود دارد.	
	پروژه‌های بزرگ مقیاس عامل اصلی در قضاوت مدیریت شهری است.	

محیط پژوهش

قرار گرفته است، پروژه‌ی پیاده‌راه میدان شهرداری رشت می‌باشد. میدان شهرداری رشت با مجموعه ساختمانی پیرامون آن یعنی ساختمان‌های شهرداری، استانداری سابق، پست و تلگراف، هتل ایران و کتابخانه ملی ایران یکی از میدان‌های زیبای باقی‌مانده از دوره پهلوی اول است که با الهام از معماری روسی به ویژه معماری شهر سن‌پترزبورگ ساخته شده است. ساختمان شهرداری و سایر ساختمان‌های همجوار آن نماد شهر رشت محسوب می‌شود. پیداست که هرگونه تغییر کارکرد میدان کنش‌های نخبگان شهری را برمی‌انگیزد. پیاده‌راه‌سازی این میدان نیز کنش‌های زیادی برانگیخت.

شهر رشت از کلان‌شهرهای ایران، مرکز استان گیلان در شمال ایران و مرکز شهرستان رشت است و مادر شهر استان گیلان و بخش‌هایی از استان‌های همجوار است. این کلانشهر همچنین بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهر شمال ایران در بین سه استان حاشیه دریای کاسپین و بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهر گیلک نشین جهان، بزرگ‌ترین سکونتگاه سواحل جنوبی دریای خزر محسوب می‌شود. رشت سومین شهر گردشگر پذیر ایران است. بر اساس سرشماری رسمی سال ۱۳۹۵ جمعیت شهر رشت تعداد ۶۷۶۹۹۱ نفر است (سالنامه آماری سال ۱۳۹۵). پروژه‌ی بزرگ مقیاسی که در این پژوهش مورد بررسی



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی شهر رشت

تجزیه و تحلیل یافته‌ها یافته‌های توصیفی

و اعتماد پایین به مدیریت شهری را نشان می‌دهد. با توجه به میانگین داده‌ها (mean=3.67) می‌توان دریافت که میانگین میزان مشارکت شهروندان شهر رشت بالاتر از حد متوسط (و نزدیک به عدد ۴) می‌باشد. یعنی مشارکت شهروندان شهر رشت تقریباً بالا است. با توجه به نمودار فوق و با توجه به میانگین داده‌ها (mean=2.41) می‌توان دریافت که میانگین اعتماد اجتماعی شهروندان شهر رشت پایین‌تر از حد متوسط است که نشان‌دهنده اعتماد اجتماعی ضعیف شهروندان شهر رشت می‌باشد.

در جدول شماره ۲ میانگین و انحراف معیار گویه‌ها به دست آمده است، همان‌طور که نمایان است با توجه به میانگین داده‌های (mean=3.17) می‌توان دریافت که نگرش نسبت به پروژه‌های بزرگ مقیاس مانند پروژه‌ی پیاده راه شهرداری رشت بالاتر از حد متوسط بوده است. با توجه به میانگین (mean=2.31) می‌توان دریافت که نگرش شهروندان نسبت به مدیریت شهری پایین‌تر از حد متوسط است که نگرش منفی

جدول ۳. میانگین، انحراف معیار گویه‌های پرسشنامه پژوهش

تعداد	انحراف معیار	میانگین	ابعاد
۲۴۷	۰/۵۷۷	۳/۱۷	نگرش نسبت به پروژه‌های بزرگ مقیاس
۲۴۷	۰/۷۱۹	۲/۳۱	اعتماد به مدیریت شهری
۲۴۷	۰/۵۰۱	۳/۶۷	مشارکت شهروندان
۲۴۷	۰/۶۰۸	۲/۴۱	اعتماد اجتماعی

یافته‌های تحلیلی

این است که بین نگرش به پروژه‌های بزرگ مقیاس و مشارکت شهروندان رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد.

برای سنجش رابطه‌ی بین نگرش به پروژه‌های بزرگ مقیاس و مشارکت از آزمون اسپیرمن استفاده شد. فرض

جدول ۵. همبستگی نگرش به پروژه‌های بزرگ مقیاس بر مشارکت

مشارکت	نگرش به پروژه‌های بزرگ مقیاس			
۰/۱۶۲	۱,۰۰۰	Correlation coefficient	نگرش به پروژه‌های بزرگ مقیاس	اسپیرمن
۰,۰۱۱	.	Sig		
۲۴۷	۲۴۷	N		
۱,۰۰۰	۰,۱۶۲	Correlation coefficient	مشارکت	
.	۰,۰۱۱	Sig		
۲۴۷	۲۴۷	N		

بر اساس آزمون همبستگی اسپیرمن بین نگرش به پروژه‌های بزرگ مقیاس و مشارکت شهروندان همبستگی معنی‌داری وجود دارد ($p=0.011, r=0.162$). نتایجاً با افزایش نگرش مثبت و افزایش نگرش به پروژه‌های بزرگ مقیاس، مشارکت شهروندان نیز افزایش می‌یابد. برای سنجش رابطه‌ی بین نگرش شهروندان نسبت به پروژه‌های

بزرگ مقیاس و نگرش و اعتماد به مدیریت شهری نیز از آزمون اسپیرمن استفاده شده است. فرض بر این است که بین نگرش شهروندان نسبت به پروژه‌های بزرگ مقیاس و نگرش و اعتماد به مدیریت شهری رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

جدول ۴. همبستگی نگرش به پروژه‌های بزرگ مقیاس بر نگرش و اعتماد به مدیریت شهری

نگرش و اعتماد به مدیریت شهری	نگرش به پروژه‌های بزرگ مقیاس		
۰,۴۳۳ ۰,۰۰۰ ۲۴۷	۱,۰۰۰ . ۲۴۷	Correlation coefficient Sig N	اسپیرمن پروژه‌ها بزرگ مقیاس
۱,۰۰۰ . ۲۴۷	۰,۴۳۳ ۰,۰۰۰ ۲۴۷	Correlation coefficient Sig N	نگرش و اعتماد به مدیریت شهری

می‌شود اما در مورد مشارکت رابطه‌ای چندان و معناداری با پروژه‌های بزرگ مقیاس در آزمون همبستگی اسپیرمن ندارد. در نتیجه پروژه‌های بزرگ مقیاس شهری رابطه معناداری با مشارکت نداشته و سبب افزایش مشارکت شهروندان در امور شهری نشده است. همچنین برای سنجش رابطه‌ی بین نگرش و اعتماد به مدیریت شهری و مشارکت از آزمون اسپیرمن استفاده شد.

بر اساس آزمون همبستگی اسپیرمن بین نگرش شهروندان نسبت به پروژه‌های بزرگ مقیاس و نگرش و اعتماد به مدیریت شهری همبستگی معنی‌دار آماری وجود داشت ($p=0.000, r=0.433$)، به این ترتیب با افزایش نگرش مثبت به پروژه‌های بزرگ مقیاس، نگرش و اعتماد به مدیریت شهری افزایش می‌یابد. به طور خلاصه پروژه‌های بزرگ مقیاس شهری منجر به اعتماد شهروندان به مدیریت شهری

جدول ۵. همبستگی نگرش و اعتماد به مدیریت شهری بر مشارکت

مشارکت	نگرش و اعتماد به مدیریت شهری		
۰,۲۶۶ ۰,۰۰۰ ۲۴۷	۱,۰۰۰ . ۲۴۷	Correlation coefficient Sig N	اسپیرمن نگرش و اعتماد به مدیریت شهری
۱,۰۰۰ . ۲۴۷	۰,۲۶۶ ۰,۰۰۰ ۲۴۷	Correlation coefficient Sig N	مشارکت

شهری، مشارکت شهروندان افزایش می‌یابد. فرض این است که بین اعتماد اجتماعی و نگرش و اعتماد به مدیریت شهری رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد.

بر اساس آزمون همبستگی اسپیرمن بین نگرش و اعتماد به مدیریت شهری و مشارکت شهروندان همبستگی معنی‌داری وجود داشت ($p=0.000, r=0.266$) به گونه‌ای که با افزایش نگرش مثبت و افزایش اعتماد به مدیریت

جدول ۶. همبستگی اعتماد اجتماعی بر نگرش و اعتماد به مدیریت شهری

اعتماد اجتماعی		نگرش و اعتماد به مدیریت شهری	
اسپیرمن	اعتماد اجتماعی	Correlation coefficient Sig N	۰,۴۷۵ ۰,۰۰۰ ۲۴۷
نگرش و اعتماد به مدیریت شهری	اعتماد اجتماعی	Correlation coefficient Sig N	۰,۴۷۵ ۰,۰۰۰ ۲۴۷

نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن بین اعتماد اجتماعی و نگرش و اعتماد به مدیریت شهری نشان دهنده همبستگی معنی داری بین این دو متغیر است ($p=0.00$, $r=0.475$)، مستقیم و معناداری وجود دارد. بنابراین با افزایش اعتماد اجتماعی شهروندان، نگرش

جدول ۷. همبستگی اعتماد اجتماعی بر مشارکت

اعتماد اجتماعی		مشارکت	
اسپیرمن	اعتماد اجتماعی	Correlation coefficient Sig N	۰,۳۶۴ ۰,۰۰۰ ۲۴۷
مشارکت	اعتماد اجتماعی	Correlation coefficient Sig N	۰,۳۶۴ ۰,۰۰۰ ۲۴۷

بر اساس آزمون اسپیرمن بین اعتماد اجتماعی و مشارکت همبستگی معناداری وجود داشت ($p=0.000$, $r=0.364$)، به این معنا که افزایش اعتماد اجتماعی منتج به مشارکت بیشتر می شود. نکته قابل توجه در بررسی ضرایب همبستگی این است که با وجود این که همبستگی مثبتی میان میزان مشارکت شهروندان با دو متغیر اعتماد اجتماعی و اعتماد به مدیریت شهری وجود دارد اما ضرایب این روابط همبستگی کمتر از حد انتظار است. در نتیجه می توان استدلال نمود که اعتماد به مدیریت شهری و اعتماد اجتماعی به شکل عمومی تأثیر زیادی بر میزان مشارکت شهروندان ندارد. این مورد بیش از هر چیز نشان دهنده ضعف مدیریت شهری حتی در جلب مشارکت از آن دسته از شهروندانی است که به میزان زیادی به نهادهای عمومی اعتماد دارند. در قسمت نتیجه گیری به طور مفصل درباره این نتایج بحث خواهد شد.

جدول ۸. آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای سنجش چگونگی توزیع داده های نگرش و اعتماد به مدیریت شهری

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	Z کولموگروف اسمیرنوف	p
نگرش و اعتماد به مدیریت شهری	۲,۳۱	۰,۷۱۹	۰,۰۵۸	۰,۰۴۶

همان گونه که در جدول بالا مشاهده می گردد آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای نگرش و اعتماد به مدیریت شهری معنادار است ($p=0.046$) و بنابراین نگرش و اعتماد به مدیریت شهری دارای توزیع نرمالی نیست و باید از آزمون ناپارامتریک استفاده کرد. به این ترتیب از آزمون کروسکال والیس برای ارزیابی رابطه آماری تغییرات این دو متغیر استفاده می گردد.

تأثیر نگرش به پروژه های بزرگ مقیاس بر نگرش و اعتماد به مدیریت شهری

در این قسمت تأثیر پروژه های بزرگ مقیاس بر نگرش شهروندان به مدیریت شهری ارزیابی می شود. قبل از

فرض‌های آزمون کروسکال والیس نگرش به شرح زیر هستند:
فرض صفر: گروه‌های مختلف متغیر نگرش نسبت به پروژه‌های بزرگ مقیاس از لحاظ نگرش و اعتماد به مدیریت شهری یکسان هستند.

فرض یک: گروه‌های مختلف متغیر نگرش نسبت به پروژه‌های بزرگ مقیاس از لحاظ نگرش و اعتماد به مدیریت شهری متفاوت هستند.

جدول ۹. آزمون کروسکال والیس برای متغیر مستقل نگرش به پروژه‌های بزرگ مقیاس و متغیر وابسته نگرش و اعتماد

به مدیریت شهری

متغیر مستقل متغیر وابسته	نگرش نسبت به پروژه‌های بزرگ مقیاس	تعداد	میانگین درجه
نگرش و اعتماد به مدیریت شهری	کاملاً مخالف	۸	۹۱,۶۳
	مخالف	۷۲	۸۹,۳۸
	بی‌نظر	۱۵۳	۱۳۷,۲۸
	موافق	۱۴	۱۷۵,۴۶
	جمع	۲۴۷	

نگرش و اعتماد به مدیریت شهری	Chi-square
۳۱,۱۹۳	
۳	Df
۰,۰۰۱	Sig

نتایج آزمون کروسکال والیس نشان داد که نگرش و اعتماد به مدیریت شهری بین گروه‌های مختلف نگرش نسبت به پروژه‌های بزرگ مقیاس متفاوت است. ($\text{sig}=0.001$) و میانگین‌های موجود در جدول نیز گویای این واقعیت است گروه‌هایی که رضایت بیشتری از پروژه‌های بزرگ مقیاس دارند دارای نگرش مثبت‌تر و اعتماد بیشتری نسبت به مدیریت شهری هستند.

با توجه به نتیجه آزمون کروسکال والیس که نشان داد با افزایش نگرش مثبت شهروندان نسبت به پروژه‌های بزرگ مقیاس، نگرش شهروندان نسبت به مدیریت شهری بهتر می‌شود و هرچه رضایت از عملکرد شهرداری در بعد فنی- عمرانی در افراد افزایش یابد، نگرش شهروندان نسبت به عملکرد مدیریت شهری مثبت‌تر خواهد بود. همان‌گونه که مشهود است رضایت از پروژه‌های بزرگ مقیاس و به طور خاص پروژه‌ی پیاده راه میدان شهرداری

رشت تقریباً بالاتر از حد متوسط است که این موضوع دلایل متعددی دارد، از جمله اینکه این پروژه همسو با محیط زمینه و تنها در جهت بهره‌برداری مناسب از آن در محیط شهری طراحی شده است. از طرف دیگر این پروژه فضایی جهت استفاده عموم است و کشش بالایی در سطح شهر یا حتی منطقه دارد و همچنین سهم بالایی نیز در احساس تعلق خاطر نسبت به شهر رشت داشته است. اما با وجود رضایت نسبی از پروژه پیاده راه رشت، شهروندان همچنان نارضایتی‌هایی نیز داشتند. دلایل این نارضایتی‌ها در هنگام گفت و گو با شهروندان استخراج شده است که عبارتند از وجود ساختمان‌های قدیمی و فرسوده که حتی‌الامکان با مشارکت مالکین، نوسازی و بهسازی شوند. تسهیلات مرتبط با پیاده مداری نظیر آبخوری و توالت عمومی می‌تواند موجب ماندگاری بیشتر مراجعه‌کنندگان در فضا شود. این پروژه بدون توجه به سرمایه اجتماعی بهره‌وران ساخته شده است و چشم‌انداز طرح با بهره‌وران در میان گذاشته نشده است، عملیات اجرایی چراغ خاموش صورت گرفته است و به اعتراضات بهره‌وران توجهی نشده و مقبولیت یا عدم مقبولیت پروژه سنجیده نشده است.

ارزیابی تأثیر اعتماد اجتماعی بر نگرش و اعتماد به مدیریت شهری

آزمون کروسکال والیس برای اعتماد اجتماعی

مقیاس بر نگرش و اعتماد به مدیریت شهری

فرض صفر: گروه‌های مختلف متغیر اعتماد اجتماعی از لحاظ نگرش و اعتماد به مدیریت شهری یکسان هستند.

فرض یک: گروه‌های مختلف متغیر اعتماد اجتماعی از لحاظ نگرش و اعتماد به مدیریت شهری متفاوت هستند.

جدول ۱۰. آزمون کروسکال والیس برای متغیر مستقل اعتماد اجتماعی مقیاس و متغیر وابسته نگرش و اعتماد به

مدیریت شهری

متغیر مستقل متغیر وابسته	اعتماد اجتماعی	تعداد	میانگین درجه
نگرش و اعتماد به مدیریت شهری	کاملاً مخالف	۵۷	۷۴,۰۵
	مخالف	۱۴۳	۱۳۰,۴۷
	بی‌نظر	۴۵	۱۶۶,۳۳
	موافق	۲	۱۳۲,۲۵
	جمع	۲۴۷	

ارزیابی تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت

جدول ۱۱. آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال

بودن مشارکت

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	Z کولموگروف اسمیرنوف	P
مشارکت	۳,۶۷	۰,۵۰۱	۰,۰۷۵	۰,۰۰۲

همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده می‌گردد آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای مشارکت معنی‌دار است. (p=0.002) بنابراین مشارکت دارای توزیع نرمالی نیست و باید از تحلیل‌های ناپارامتریک استفاده کرد.

آزمون کروسکال والیس برای اعتماد اجتماعی بر مشارکت

فرض صفر: گروه‌های مختلف متغیر اعتماد اجتماعی از لحاظ مشارکت یکسان هستند.

فرض یک: گروه‌های مختلف متغیر اعتماد اجتماعی از لحاظ مشارکت متفاوت هستند.

جدول ۱۲. آزمون کروسکال والیس برای متغیر مستقل

اعتماد اجتماعی و متغیر وابسته مشارکت

متغیر مستقل	اعتماد اجتماعی	تعداد	میانگین درجه
مشارکت	کاملاً مخالف	۵۷	۸۲,۹۶
	مخالف	۱۴۳	۱۲۹,۶۳
	بی‌نظر	۴۵	۱۵۳,۸۴
	موافق	۲	۲۱۹,۸۵
	جمع	۲۴۷	

مشارکت	متغیر وابسته
۳۱,۲۱۸	Chi-square
۳	Df
۰,۰۰۰	Sig

نتایج آزمون کروسکال والیس نشان داد که مشارکت شهروندان بین گروه‌های مختلف اعتماد اجتماعی متفاوت است. (sig=0.000) البته اختلاف میان میانگین گروه‌ها در جدول نیز گویای این واقعیت است. میزان مشارکت ابتدا در گروهی که از نظر اعتماد اجتماعی موافق هستند نسبت به سایر گروه‌ها بالاتر است و سپس میزان مشارکت در گروهی که بی‌نظر هستند یعنی اعتماد اجتماعی بالایی

نگرش و اعتماد به مدیریت شهری	Chi-square
۴۴,۹۸۸	
۳	Df
۰,۰۰۰	Sig

نتایج آزمون کروسکال والیس نشان داد که نگرش و اعتماد به مدیریت شهری بین گروه‌های مختلف اعتماد اجتماعی متفاوت است. (sig=0.000) و میانگین‌های موجود در جدول نیز گویای این واقعیت است. ابتدا کسانی که در گروه بی‌نظر اعتماد اجتماعی قرار دارند و سپس کسانی که در گروه موافق سپس مخالف و سپس کاملاً مخالف قرار دارند دارای سطح نگرش مثبت‌تر و اعتماد بالاتری به مدیریت شهری هستند. این امر نشان می‌دهد که کسانی که از لحاظ اعتماد اجتماعی در سطح متوسط قرار دارند (در گروه بی‌نظر) نسبت به کسانی دارند که در سطح بالاتری از اعتماد اجتماعی (در گروه موافق) قرار دارند نگرش بهتری نسبت به مدیریت شهری دارند. اولین نتیجه‌گیری این است که اعتماد بین فردی تأثیر چندانی در نگرش و اعتماد افراد به مدیریت شهری رشت نداشته اما با توجه به اینکه تعداد افرادی که در گروه موافق از اعتماد اجتماعی هستند بسیار کم است با کمی تسامح می‌توان گفت که به طور کلی اگر اعتماد اجتماعی افراد کاهش یابد اعتماد آن‌ها به مدیریت شهری نیز کاهش می‌یابد. این امر نشان‌دهنده این است که در مقایسه بین دو بعد اعتماد کل یعنی اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی، آنچه به مقدار بیشتر سبب تنزل میزان اعتماد (کل) شهروندان تا حد متوسط و پایین گردیده، پایین بودن میزان اعتماد بین شخصی شهروندان نسبت به کارگزاران شهرداری می‌باشد. این موضوع تأییدکننده نظر گیدنز در مورد اهمیت نقش کارکنان یک نهاد به عنوان عوامل دسترسی به سیستم در ایجاد اعتماد می‌باشد. باید دانست که شهرداری به‌عنوان یک نهاد اجتماعی زمانی می‌تواند به ایفای نقش بپردازد که در حد قابل قبولی در فرایند اعتمادسازی وارد شود و از یک فضای اعتماد آمیزی برخوردار باشد در غیر این صورت بیشترین توان، زمان و سرمایه خود را در فضای بی‌اعتمادی از دست می‌دهد و اعتبار اجتماعی، حمایت اجتماعی و مقبولیت عمومی خود را از دست خواهد داد.

مشارکت	
۱۶,۱۳۳	Chi-square
۳	Df
۰,۰۰۱	Sig

نتایج آزمون کروسکال والیس نشان داد که مشارکت شهروندان بین گروه‌های مختلف نگرش و اعتماد به مدیریت شهری متفاوت است. (sig=0.001) اختلاف میان میانگین‌ها در جدول نیز گویای این واقعیت است. ابتدا کسانی که نگرش بی‌نظر دارند و سپس کسانی که نگرش موافق سپس مخالف و سپس کاملاً مخالف نسبت به مدیریت شهری دارند دارای سطح مشارکت بالاتری هستند.

با توجه به اینکه نگرش شهروندان نسبت به مدیریت شهری با مشارکت شهروندان رابطه‌ی مستقیم دارد و طبق آزمون کروسکال والیس که نشان می‌دهد ابتدا گروهی که در سطح متوسط از نگرش و اعتماد به مدیریت شهری قرار دارند (گروه بی‌نظر) سپس گروهی که در سطح بالا قرار دارند یعنی در گروه موافق هستند و پس آن گروه مخالف و گروه کاملاً مخالف، دارای سطح مشارکت بالاتری هستند؛ این امر را این‌گونه می‌توان توجیه کرد که گروهی که بی‌نظر هستند و در واقع در سطح متوسط از نگرش و اعتماد به مدیریت شهری قرار دارند با وجود اینکه اعتماد پایین‌تری از گروه بالاتر (گروه موافق) به مدیریت شهری دارند اما به اهمیت مشارکت کردن توجه دارند و به مشارکت در امور شهری می‌پردازند در حالی که کسانی که در گروه بالاتر از اعتماد به مدیریت شهری قرار دارند (گروه موافق) به دلیل داشتن مشاغل مختلف یا عدم فراهم بودن شرایط مشارکت کردن، مشارکت کمتری در امور شهری دارند. و به طور کلی با وجود سطح پایین اعتماد به مدیریت شهری در شهر رشت شهروندان این شهر از لحاظ مشارکت در امور شهری در سطح متوسط به بالا قرار دارند. با وجود بالاتر بودن سطح گروه بی‌نظر متغیر اعتماد به مدیریت شهری از لحاظ مشارکت کردن، به دلیل اینکه تعداد افرادی که اعتماد بالایی به مدیریت شهری دارند و در گروه موافق قرار دارند بسیار کم است با کمی تسامح می‌توان گفت که به طور کلی با بالاتر رفتن سطح نگرش مثبت و افزایش اعتماد به مدیریت شهری، مشارکت شهروندان در مدیریت شهری افزایش می‌یابد. یعنی هرچقدر

دارند بیشتر است و پس از آن گروهی که مخالف و سپس گروهی که کاملاً مخالف هستند به ترتیب میزان مشارکت آن‌ها در سطوح بالاتری قرار دارد.

با توجه به اینکه اعتماد اجتماعی شهروندان شهر رشت با مشارکت آن‌ها رابطه‌ی مستقیم دارد و با توجه به نتیجه‌ی آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد که افرادی از لحاظ اعتماد اجتماعی در سطح متوسط و در گروه موافق هستند نسبت به کسانی که در گروه بی‌نظر هستند نسبت به کسانی که در گروه مخالف و سپس گروه کاملاً مخالف هستند در سطح بالاتری از مشارکت قرار دارند؛ این امر را این‌گونه می‌توان توجیه کرد که افراد گروهی که با وجود اینکه اعتماد اجتماعی نه چندان بالا و متوسط دارند به این امر باور دارند که ساختن جامعه بدون مشارکت کردن ممکن نیست و افرادی که اعتماد اجتماعی بالایی دارند و در گروه موافق قرار دارند به این دلیل سطح مشارکت پایین‌تری دارند که شاید فرصت یا شرایط مشارکت کردن برای آن‌ها فراهم نیست؛ اما با توجه به این که تعداد افرادی که اعتماد اجتماعی بالایی دارند و در گروه موافق قرار دارند بسیار کم است با اندکی تسامح به طور کلی می‌توان گفت که اگر اعتماد اجتماعی شهروندان کاهش یابد، مشارکت آن‌ها نیز کاهش می‌یابد.

ارزیابی تأثیر نگرش و اعتماد به مدیریت شهری بر مشارکت:

آزمون کروسکال والیس برای نگرش و اعتماد به مدیریت شهری بر مشارکت

فرض صفر: گروه‌های مختلف متغیر نگرش و اعتماد به مدیریت شهری از لحاظ مشارکت یکسان هستند.

فرض یک: گروه‌های مختلف متغیر نگرش و اعتماد به مدیریت شهری از لحاظ مشارکت متفاوت هستند.

جدول ۱۳. آزمون کروسکال والیس برای متغیر مستقل نگرش و اعتماد به مدیریت شهری و متغیر وابسته‌ی مشارکت

متغیر وابسته	متغیر مستقل	نگرش و اعتماد به مدیریت شهری	تعداد	میانگین درجه
مشارکت		کاملاً مخالف	۷۵	۱۰۴,۹
		مخالف	۱۱۹	۱۲۲,۶۳
		بی‌نظر	۵۱	۱۵۶,۱۸
		موافق	۲	۱۲۴,۰۰
		جمع	۲۴۷	

عملکرد شهرداری در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، فنی و عمرانی از نگرش شهروندان بهتر باشد، مشارکت شهروندان در امور شهری بیشتر می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

شهرداری به عنوان قوه مجریه محلی، یکی از ارکان اساسی مدیریت شهری به شمار می‌رود. نقش نهاد شهرداری در جریان مدیریت شهری در درجات مختلفی قرار دارد که از حاکمیت تام تا ایفای نقش‌های کم‌اهمیت متغیر است. با توجه به دامنه گسترده حوزه‌های مسئولیت نهادهای مدیریت شهری در تمام ابعاد زیست شهری، وجود عامل اعتماد جهت شکل‌گیری تعامل سازنده بین شهروندان و سازمان‌های اجرایی به شکلی مؤثر، کارا و در عین حال با کم‌ترین هزینه، بسیار حیاتی است. از گذشته تا به امروز، یکی از نهادهای بسیار مهمی که نقش به‌سزایی در امور اجرایی و خدمات‌رسانی شهرها داشته و مسئول اصلی مدیریت و تأمین نیازهای توسعه شهری هستند، شهرداری‌ها می‌باشند. امروزه با توجه به توسعه کمی و کیفی سکونتگاه‌های شهری و همچنین پیچیدگی ساز و کارهای موجود در آن‌ها، روزبه‌روز بر نقش این نهاد عمومی در توسعه پایدار شهرها، پررنگ‌تر می‌شود. نهاد شهرداری می‌تواند با ارتقا اطلاع‌رسانی درباره وظایف و فعالیت‌ها و برنامه‌های خود، به ارتقای کیفیت خدمت پردازد و در نهایت منجر به افزایش اعتماد شهروندان شود. بدین منظور شهرداری‌ها در پی پاسخ به نیازها و چالش‌های این حوزه راهکارها و سیاست‌های متفاوتی را اتخاذ نموده‌اند. رهیافت روان‌شناختی اعتماد بر احساس و ارزش‌های فردی تأکید دارد و اعتماد به عنوان متغیری فردی و شخصیتی تلقی می‌شود. در این زمینه؛ اعتماد ارتباط نزدیکی با مفاهیمی مانند وفاداری، نوع‌دوستی، صداقت و دوستی دارد. همچنین اعتماد به عنوان یک ویژگی اجتماعی نیز تلقی می‌شود که در کالبد نهادی جامعه مطالعه می‌شود. با توجه به نتایج به دست آمده در پژوهش، می‌توان استدلال نمود که نگرش شهروندان نسبت به پروژه‌های بزرگ مقیاس شهری با متغیر نگرش و اعتماد شهروندان به مدیریت شهری رابطه معناداری دارد. بنابراین، پروژه‌های بزرگ مقیاس سبب پررنگ شدن و دیده شدن فعالیت‌های مدیریت شهری توسط شهروندان شده که این نیز خود سبب اعتماد شهروندان به مدیریت شهری است. در صورتی که، در مورد این مقوله (پروژه‌های بزرگ مقیاس) توسط شهرداری‌ها از مردم برای مشارکت در امور شهری دعوت نگردد، خود

می‌تواند باعث بدبینی و بی‌اعتمادی به مدیریت شهری در باب مشارکت از سوی شهروندان گردد. همان‌گونه که در بخش یافته‌ها ملاحظه شد نگرش مثبت به پروژه‌های بزرگ مقیاس به همان میزان که سبب افزایش اعتماد به مدیریت شهری شد؛ سبب افزایش مشارکت در امور مدیریت شهری نمی‌گردد. نتایج آزمون کروسکال والیس نشان داد ارتباط میان نگرش و اعتماد به مدیریت شهری بین گروه‌های مختلف از نوع نگرش به پروژه‌های بزرگ مقیاس متفاوت است. همچنین این نتایج در مورد سایر متغیرهای وابسته (نگرش اعتماد به مدیریت شهری، مشارکت) و مستقل (نگرش نسبت به پروژه‌های بزرگ مقیاس، اعتماد اجتماعی) پژوهش نیز صدق می‌کرده است. این روابط نشان می‌دهد اگر ساکنین به شکلی فعال در فرایند طراحی تا اجرای پیاده راه شهرداری درگیر می‌شدند، آنگاه این پروژه‌ها تأثیر به مراتب بیشتری بر اعتماد و افزایش مشارکت‌پذیری شهروندان می‌داشتند. بدین ترتیب قابل بیان است که شهرداری رشت نتوانسته از فرصت حاصل از این پروژه در راستای تقویت زیرساخت‌های مشارکت‌پذیری در امور شهری بهره‌بردارد. یکی از مسائلی که در سال‌های اخیر مورد بی‌توجهی بوده است همین ظرفیت‌هایی است که برای جلب مشارکت از طراحی تا اجرا در قالب پروژه‌های بزرگ مقیاس به وجود می‌آید. نکته قابل تأمل این است که در حالی که در سال‌های اخیر نظام حکمروایی شهری تمرکز و توجه زیادی به تشکیل شورایی‌ها و افزایش مشارکت در سطح محلی کرده است، به سادگی از حق و توانایی مشارکت کلیه شهروندان در پروژه‌های بزرگ با مقیاس شهری عبور کرده است. این عدم تعادل باعث ناهماهنگی نتایج پروژه‌های بزرگ مقیاس با نیازهای اجتماعی، هویتی و اقتصادی ساکنین آن می‌شود. آن هم درست در زمان و مکانی که آحاد جامعه شهری دارای منافع و انگیزه‌های متعدد به منظور مداخله در مسائل توسعه شهری هستند. این موضوع را به سادگی می‌توان در طراحی محیطی و همچنین نحوه استفاده از المان‌ها مبلمان شهری در فضای این میدان مشاهده نمود. در حالی که این موضوع می‌توانست مشارکت جامعه محلی به خصوص جامعه شهرسازان، معماران، هنرمندان و طراحان را برانگیزد، کلیه اقدامات از طراحی تا اجرا بدون تکیه به ایده‌های ذی‌نفعان و به شکلی استبدادی طراحی گردد. شایان ذکر است که این موضوع سبب رویکرد آزمون و خطا در هنگام اجرای این پروژه شده است به‌گونه‌ای که بارها پس از اجرای بخشی از این پروژه و انجام هزینه‌های بالای

Journal of Urban and Regional Research 32.4, Pp: 804–14.

11. Hanzl, M. (2007), Information technology as a tool for public participation in urban planning: a review of experiments and potentials. *Design Studies*, 28(3), Pp: 289 – 307.
12. Innes, J. E., & Booher, D. E. (2004). Reframing public participation: Strategies for the 21st century. *Planning Theory & Practice*, 5(4), Pp: 419–436.
13. Kahila-Tani, M., Broberg, A., Kytta, M., & Tyger, T. (2015). Let the citizens map – Public participation GIS as a planning support system in Helsinki 2050 master planning process. *Planning Practice and Research*, 31(2), Pp: 195–214.
14. Kingston, R. (2007). Public participation in local policy decision-making: The role of webbased mapping. *The Cartographic Journal*, 44(2), Pp: 138–144.
15. Krizek, K., Forysth, A., & Slotterback, C. S. (2009). Is there a role for evidence-based practice in urban planning and policy? *Planning Theory & Practice*, 10(4), Pp: 459–478.
16. Laurian, L. (2004). Public participation in environmental decision making: Findings from communities facing toxic waste clean-up. *Journal of the American Planning Association*, 70(1), Pp: 53–65.
17. Leino, H. (2012). Boundary interaction in emerging scenes: Two participatory planning cases from Finland. *Planning Theory & Practice*, 13(3), Pp: 383–396.
18. Lizarralde, G., 2011. Stakeholder participation and incremental housing in subsidized housing projects in Colombia and South Africa. *Habitat Int.* 35, Pp: 175–187.
19. Orueta, & Fainstein, S. (2009). The New Mega-project: Genesis and Impacts. *International*

مصالح و ساخت، نتیجه با نیازهای کاربران تطبیق نداشت و فرایند تخریب و ساخت مجدد تکرار می‌شد. امید است با تغییر رویه‌های موجود در نظام حکمروایی شهری در آینده شاهد تحمیل هزینه‌های بیشتر مادی و معنوی به شهرهای کشورمان نباشیم.

منابع

1. Guilan Province Statistical Office Attached Statistical Yearbook of 2016.
2. Afzalan, N., & Muller, B. (2018). Online participatory technologies: Opportunities and challenges for enriching participatory planning. *Journal of the American Planning Association*, 84(2), Pp: 162–177.
3. Altshuler, A. & D. Luberoff (2003) Mega-projects. Brookings Institution, Washington, DC.
4. Awuah, K.G., Hammond, F.N., Lamond, J.E., Booth, C., 2014. Benefits of urban land use planning in Ghana. *Geoforum* 51 (0), Pp: 37–46
5. Brown, G., & Kytta, M. (2014). Key issues and research priorities for public participation GIS (PPGIS): A synthesis based on empirical research. *Applied Geography*, 46, Pp: 126–136.
6. Cobbinah, P.B., Darkwah, R.M., 2016b. Urban planning and politics in Ghana. *GeoJournal* Pp: 1–17.
7. Ertiö, T.-P. (2015). Participatory apps for urban planning-Space for improvement. *Planning Practice & Research*, 30(3), Pp: 303–321
8. Fainstein, S. (2008) Mega-projects in New York, London and Amsterdam. *International Journal of Urban and Regional Research* 32.4, Pp: 767–84.
9. Flyvbjerg, B. & Bruzeli, N. & Rothengatter, W. (2003), *Mega project and Risk: An anatomy of Ambition*, Cambridge University press.
10. Haila, A. (2008) From Annankatu to Antinkatu: contracts, development rights and partnerships in Kamppi, Helsinki. *International*



Journal of Urban and Regional Research, 32(4), Pp:76-90.

20. Reed, M. S., Vella, S., Challies, E., de, J., Vente, Frewer, L., Hohenwallner-Ries, D., et al. (2018). A theory of participation: What makes stakeholder and public engagement in environmental management work Restoration Ecology, 26(1), Pp: 7-17.

21. Rowe, G., & Frewer, L. J. (2004). Evaluating public-participation exercises: a research agenda. Science, Technology, & Human Values, 29(4), Pp: 512-555.

22. Sekhar, N.U., 2003. Local people's attitudes towards conservation and wildlife tourism around Sariska Tiger Reserve, India. Journal Environmental Managment. 69, Pp: 339-347.

23. Shatkin, G. (2008) The city and the bottom line: urban mega-projects and the privatization of planning in Southeast Asia. Environment and Planning A 40.2, Pp: 383-401.

24. Van Marrewik, A., Clegg, S. R., Pitsis, T. S. and Veenswik, M. (2008). Managing Public-Private Megaprojects: Paradoxes, Complexity, and Project Design. International Journal of Project Management, 26, Pp: 591-600.

25. Watson, V., 2009. Seeing from the south: refocusing urban planning on the globe's central urban issues. Urban Stud. 46 (11), Pp: 2259-2275

26. Yang, J., Shen, Q., Ho, M., 2009. An overview of previous studies in stakeholder management and its implications for the construction industry. J. Facil. Manag. 7, Pp: 159-175.

27. Zasada, I., 2011. Multifunctional peri-urban

agriculture: a review of societal demands and the provision of goods and services by farming. Land Use Policy 28, 639-648.

28. Nyhan, R. C. (2000). hanging the paradigm: trust and its role in public sector organizations. American Review of Public Administration, 30, 87-109.

29. Oliver Amalya L. and Montgomery Kathleen (2001). A system cybernetic approach to the dynamics of individual- and organizational-level trust. Human Relations; 54; 1045.

30. Choudhury Enamul (2008). Trust in Administration An Integrative Approach to Optimal Trust. Administration & Society. Volume 40 Number 6

31. Edelenbos, J. & Klijn, E.H. (2007). Trust in complex decision-making networks; a theoretical and empirical exploration. Administration and Society, 39(1), 25-50.

32. Klijn, E.H., Edelenbos, J. & Steijn, A.J. (2010b). Trust in governance networks; its impact and outcomes. Administration and Society, 42(2), 193-221.

33. Purdue, D., 2001. Neighbourhood governance: leadership, trust and social capital. Urban studies, 38, (12), 2211-2224.

34. Siegrist, M. and G. Cvetkovich. 2000. Perception of hazards: The role of social trust and knowledge. Risk Analysis 20, 5, 713-719.

35. Winter, G., C.A. Vogt and S. McCaffrey. 2004. Examining social trust in fuels management strategies. Journal of Forestry September, 8-15

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۶ پاییز ۹۸
No.56 Autumn 2019

۱۰۸